

عنوان مقاله:

ساختارگرایی در قاب روایت جنوب تحلیل عناصر داستانی کجا میری ننه امرو و مادر نخل، بر اساس نظریه کلود برمون

محل انتشار:

پژوهشنامه ادبیات داستانی، دوره 8، شماره 4 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

مهرنوش دژم - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

محمود حسن آبادی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

خلاصه مقاله:

روایت شناسی شاخه ای از ساختارگرایی است که در آن سعی می شود با الگویی روشمند به بررسی و تجزیه و تحلیل ساختار روایت های داستانی پرداخته شود. دغدغه اصلی روایت شناسان از جمله کلود برمون، شناسایی عناصر در روایت، شگردهای مکرر روایت و تحلیل انواع گفتمان در روایت است. پیش از این الگوی برمون برای تحلیل داستان رستم و سهراب، روایاتی از کلیله و دمنه و رمان کلیدر استفاده شده است. در تحقیق حاضر، با توجه به الگوی تدوین شده بر اساس نظریه کلود برمون، به تحلیل و مقایسه دو داستان کوتاه از دو نویسنده ادبیات اقلیم جنوب (خوزستان)، با هدف یافتن پاسخی برای پرسش های زیر پرداخته ایم: آیا مدل کلود برمون را در ساخت داستان کوتاه نیز می توان یافت؟ با توجه به مفهوم مشترک اجتماعی - سیاسی این دو داستان، «احمد محمود» و «عدنان غریفی» تا چه حد از ساختاری مشابه برای ارائه روایت خود بهره برده اند؟ در نهایت نیز به این نتایج دست یافته ایم: هرچند داستان های کوتاه، پیچیدگی روایی رمان را ندارند؛ اما در الگوی برمون قرار می گیرند. گاهی خلاقیت داستان نویس، پیشگویی های الگوی برمون را بر هم می زند و گاهی همین خلاقیت، برای نشان دادن معنایی ویژه، چهارچوب مدل برمون را دستخوش تغییر می نماید.

کلمات کلیدی:

هالیدی، انسجام متن، عناصر پیوندی، داش آکل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1155436>

